



Designing a Think Tank Model Based on a Comparative Analysis of the Structure and Function of Selected Think Tanks in the World (Case Study: A Military Organization)

Musareza Nikzad¹ | Hojatollah Moomivand² | Eisa Alizade² | Jalal Zarvandi²

1. Corresponding author: PhD Student in Information Technology Management, Faculty of Artificial Intelligence and Cognitive Sciences, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran. Email: rezanikzad3576@ihu.ac.ir

2 PhD in Strategic Knowledge Management, Faculty of Artificial Intelligence and Cognitive Sciences, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.

3. PhD Student in Industrial Management, Faculty of Management and Strategic Planning, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.

4. M.Sc. in Aerospace Engineering, Faculty of Aerospace Engineering, Amirkabir University of Technology, Tehran, Iran.

Abstract

The increasing specialization of knowledge and the complexity of the security and defense environment have confronted military organizations with new challenges in the field of decision-making and policy-making. In these circumstances, the need for intermediary structures that are able to establish an effective link between specialized knowledge and decision-making power and present innovative and strategic ideas to military managers and commanders is more than ever tangible. Think tanks, through their key role in generating ideas, training specialized human resources, and playing a consulting role in designing security and defense policies, have today become vital players in promoting soft power and making macro-military decision-making processes smarter. The present study was developed with the aim of presenting a local and efficient model for promoting think tanks affiliated with military organizations. Through a qualitative and comparative approach, through a comparative analysis of the structure and function of selected national and international think tanks, document review, qualitative content analysis, and semi-structured interviews with managers and experts of 12 think tanks, numerous field and documentary data were collected and examined using the method of content analysis and validation of the findings. The results indicate that the transition of think tanks affiliated with military organizations from insular activities to interdisciplinary network structures, strengthening feedback mechanisms, collective learning, utilizing new technologies, and continuous investment in promoting specialized human capital can pave the way for improving effectiveness in defense policymaking.

Keywords: Think tank policymaking military organization indigenous model comparative study.

Volume info

Vol. 34
Series: 133
Autumn 2026
P.P: 151-170

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-07-29
Revised:
2025-10-06
Accepted:
2025-10-21
Published:
2026-02-20

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Cite this Article: Nikzad, M., Moomivand, H., Alizade, E., & Zarvandi, J. (2026). Designing a Think Tank Model Based on a Comparative Analysis of the Structure and Function of Selected Think Tanks in the World (Case Study: A Military Organization). *Scientific Journal of Defense Policy*, 34(133), 151-170.
doi : 10.47176/dpj.2026.1841



OPEN ACCESS

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

Publisher: Imam Hossein University.

طراحی الگوی اندیشکده بر پایه تحلیل تطبیقی ساختار و کارکرد اندیشکده‌های منتخب جهان (مورد مطالعه: یک سازمان نظامی)

موسی الرضا نیک زاد^۱ | حجت الله مومیوند^۲ | عیسی علیزاده^۳ | جلال زروندی^۴

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده هوش مصنوعی و علوم شناختی، دانشگاه جامع امام

حسین (ع)، تهران، ایران. Email: rezanikzad3576@ihu.ac.ir

۲. دکتری مدیریت دانش راهبردی، دانشکده هوش مصنوعی و علوم شناختی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و برنامه ریزی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۴. کارشناسی ارشد هوافضا، دانشکده هوافضا، دانشگاه صنعتی امیر کبیر، تهران، ایران.

چکیده

افزایش روزافزون تخصصی شدن دانش و پیچیدگی محیط امنیتی و دفاعی، سازمان‌های نظامی را با چالش‌هایی نوین در حوزه تصمیم‌سازی و سیاستگذاری مواجه ساخته است. در این شرایط، نیاز به ساختارهایی واسطه که قادر باشند پیوند مؤثری میان دانش تخصصی و قدرت تصمیم‌گیری برقرار کرده و ایده‌های نوآورانه و راهبردی را به مدیران و فرماندهان نظامی ارائه دهند، بیش از پیش محسوس است. اندیشکده‌ها به واسطه نقش کلیدی خود در تولید فکر، تربیت نیروی انسانی متخصص و ایفای نقش مشاور در طراحی سیاست‌های امنیتی و دفاعی، امروزه به بازیگرانی حیاتی در ارتقاء قدرت نرم و هوشمندسازی فرآیندهای تصمیم‌گیری کلان نظامی تبدیل شده‌اند. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی بومی و کارآمد برای ارتقاء اندیشکده‌های وابسته به سازمان‌های نظامی تدوین شده و با رویکردی کیفی و تطبیقی، از طریق تحلیل تطبیقی ساختار و کارکرد اندیشکده‌های منتخب ملی و بین‌المللی، مرور اسناد، تحلیل محتوای کیفی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مدیران و خبرگان ۱۲ اندیشکده، داده‌های میدانی و اسنادی متعددی را گردآوری و با روش تحلیل مضمون و اعتبارسنجی یافته‌ها مورد بررسی قرار داده است. نتایج بیانگر آن است که گذار اندیشکده‌های وابسته به سازمان‌های نظامی از فعالیت‌های جزیره‌ای به سمت ساختارهای شبکه‌ای میان‌رشته‌ای، تقویت سازوکارهای بازخورد، یادگیری جمعی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری مستمر بر ارتقاء سرمایه انسانی متخصص، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای اثربخشی در سیاستگذاری دفاعی باشد.

کلیدواژه‌ها: اندیشکده، سیاستگذاری، سازمان نظامی، الگوی بومی، مطالعه تطبیقی.

استناد: نیک زاد، موسی الرضا، مومیوند، حجت الله، علیزاده، عیسی، و زروندی، جلال. (۱۴۰۴). طراحی الگوی

اندیشکده بر پایه تحلیل تطبیقی ساختار و کارکرد اندیشکده‌های منتخب جهان (مورد مطالعه: یک سازمان نظامی).

doi: 10.47176/dpj.2026.1841

فصلنامه سیاست دفاعی، ۳۴(۱۳۳)، ۱۵۱-۱۷۰.

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.



ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).

OPEN ACCESS

مقدمه

در دنیای پیچیده و پویای امروز، ضرورت تصمیم‌سازی مبتنی بر اندیشه علمی و راهبردی بیش از هر زمان دیگری مورد توجه سیاست‌گذاران و دستگاه‌های راهبری قرار گرفته است. اندیشکده‌ها در بسیاری از کشورها کارکرد کلیدی در تفکر راهبردی و سیاست‌گذاری دارند (گوپتا^۱، ۲۰۱۹). اندیشکده‌ها به عنوان نهادهایی میان‌رشته‌ای و مستقل، نقش مهمی در تولید دانش، مشاوره تخصصی و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای مسائل کلان جوامع ایفا می‌کنند (هالپین و فراسن^۲، ۲۰۱۷). مطالعات موردی نشان می‌دهد که اندیشکده‌ها با تقویت فرهنگ شفافیت، گفتگو و عمومی‌سازی یافته‌ها، می‌توانند فرآیند تصمیم‌سازی را از انحصار روابط قدرت خارج کرده و به نفع منافع ملی و عمومی سامان دهند (پاتز^۳، ۲۰۱۱). در ایران نیز نیاز به نهادهای مستقل و تخصصی همچون اندیشکده‌ها به منظور ایجاد شواهد علمی معتبر، ظرفیت‌سازی برای تحلیل مسائل و حمایت از سیاست‌گذاران به شدت احساس می‌شود (خان‌محمد و همکاران، ۱۴۰۱). اندیشکده‌های معتبر با ایفای نقش میانجی میان دانش و سیاست، بستر تصمیم‌سازی و انتقال ایده به نخبگان و سیاستگذاران را فراهم می‌کنند، به گونه‌ای که مراکز طرحی همچون کارنگی، رند و چاتم هاوس تنها مراکز مطالعاتی و نظری نبوده، بلکه محل اصلی تصمیم‌سازی برای سیاستمداران برجسته کشورهای خود محسوب می‌شوند (کریمی و سلطانی، ۱۳۹۹). با این حال، علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در کمیّت و کیفیت اندیشکده‌ها، چالش‌های بنیادینی فراروی آنان وجود دارد. همچنان که در تجربه چین مشاهده شده، با وجود سرمایه‌گذاری گسترده، دستیابی به بازار ایده رقابتی، فرهنگ آزاد اندیشکده‌ای و ظرفیت واقعی برای تحقق تصمیم‌سازی علمی و مشارکتی هنوز با موانع جدی مواجه است (ژو^۴، ۲۰۲۳). در دیگر نقاط جهان، رشد کمیّ اندیشکده‌ها و گسترش نقش آن‌ها، باعث شد تا توجه پژوهشگران به بازتعریف جایگاه واقعی این نهادها و کارکردشان معطوف شود؛ به‌ویژه که شکل و قالب سازمانی آن‌ها با توجه به نیازهای محیطی و رقابت با نهادهایی نظیر دانشگاه‌ها یا شرکت‌های مشاوره‌ای روزبه‌روز متنوع‌تر گشته است (پاتز، ۲۰۱۱). رشد کمیّ و تنوع اندیشکده‌ها نیز همزمان با تغییرات ژئوپلیتیک و ضرورت عبور سیاست‌گذاری از مدل دستوری،

1 Gupta

2 Fraussen & Halpin

3 Pautz

4 Zhou

زمینه مساعدی برای نقش آفرینی این مراکز فراهم آورد، اما چالش‌هایی نظیر دشواری جذب و حفظ نیروهای متخصص، دسترسی محدود به اطلاعات حیاتی و مقاومت ساختاری بدنه حکمرانی در مقابل تعامل با پژوهشگران مستقل، همچنان وجود دارد و اثربخشی نهایی اندیشکده‌ها را مقید می‌سازد (گوپتا، ۲۰۱۹). اندیشکده‌ها در دنیای امروز، فراتر از نهادهایی نظری و پژوهشی، به منزله بازیگرانی تأثیرگذار و کلیدی در حوزه سیاستگذاری، نوآوری فکری و مدیریت چالش‌های راهبردی شناخته می‌شوند (کریمی و سلطانی، ۱۳۹۹). این نهادها با گردآوری نخبگان، تولید ایده‌های جدید، آموزش نیروی انسانی متخصص و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های کلان، به عنوان مراکزی برای سیاست‌پژوهی و تسهیل انتقال دانش و تفکر به حوزه تصمیم‌سازی سیاسی عمل می‌کنند. (مدوتز^۱، ۲۰۱۲).

بدون شک، ایجاد قابلیت گفتگوی راهبردی و بازنگری عمیق در ساختار مشورت‌دهی سیاستی، می‌تواند یکی از مؤلفه‌های اصلی ارتقاء سیاستگذاری علمی و مبتنی بر شواهد در کشورها باشد؛ عرصه‌ای که اندیشکده‌ها، به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته، جایگاه برجسته‌ای در آن یافته‌اند. در این میان، اهمیت گفتگوی راهبردی، یادگیری سیاستی و خلق راه‌حل‌های نو برای مسائل مزمن همچون امنیت یا نابرابری اجتماعی از سوی اندیشکده‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (الیس و پالمر، ۲۰۰۹). اندیشکده‌ها بازیگران کلیدی در مدیریت سیاست‌های دفاعی و توسعه راهبردهای عملیاتی نظامی در محیطی پیچیده و جهانی‌شده هستند؛ محیطی که دولت‌ها با تهدیدهای جدید و نامطمئن روبه‌رو بوده و نیازمند تولید مستمر اندیشه راهبردی و نوآوری هستند. در این زمینه، اندیشکده‌ها نه تنها با تولید پژوهش و تحلیل دقیق نقش آفرینی می‌کنند، بلکه با ایجاد فضای گفت‌وگو میان سیاست‌گذاران، رهبران نظامی و جامعه دانشگاهی، به شکل‌دهی به دکترین‌ها و سیاست‌های نظامی کارآمد و انعطاف‌پذیر کمک می‌کنند (اوروتیا^۲، ۲۰۱۳). بر این اساس، ضرورت دارد نقش، کارکرد و چالش‌های اندیشکده‌ها را به عنوان بازیگران استراتژیک در فرآیند سیاستگذاری، با تکیه بر مطالعات تطبیقی بین‌المللی و بررسی وضعیت آن‌ها در کشورهای مختلف و به‌ویژه در کشور ایران، به طور مشخص مورد مذاقه قرار داد؛ تا بتوان علاوه بر ارائه تصویر واقعی از وضعیت موجود، راه‌حل‌هایی برای ارتقاء اثربخشی این نهادها در چارچوب

1 Medvetz

2 Urrutia

سیاست‌گذاری شفاف، علمی و مشارکتی به خصوص در سازمان‌های نظامی ارائه نمود. با وجود شواهد گسترده و مطالعات انجام‌شده در حوزه کارکرد و چالش‌های اندیشکده‌ها، تجربه نویسندگان این مقاله در همکاری با نهادهای پژوهشی و سازمان‌های نظامی نشان داده است که شکاف قابل توجهی میان ظرفیت بالقوه این مراکز و کارکرد واقعی آن‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری وجود دارد. عدم همگرایی بین خروجی‌های علمی اندیشکده‌ها و نیازهای واقعی تصمیم‌سازان، نبود سازوکارهای شفاف برای بازخوردگیری و یادگیری جمعی، و ضعف در شبکه‌سازی میان‌رشته‌ای، موجب شده بسیاری از اندیشکده‌های وابسته به سازمان‌های نظامی در ایران نتوانند نقش مؤثر و پایدار خود را ایفا کنند. این دغدغه اصلی، بنیان شکل‌گیری پژوهش حاضر بوده است. که هدف آن طراحی الگویی بومی و کارآمد برای ارتقاء اثربخشی این نهادها در بستر نظامی است. از این رو، سؤال محوری تحقیق به صراحت چنین مطرح می‌شود: الگوی مطلوب اندیشکده وابسته به سازمان نظامی، با توجه به تجارب موفق جهانی و داده‌های میدانی، چگونه باید طراحی شود تا بتواند ضمن حفظ استقلال تحلیلی و افزایش شفافیت، بیشترین تأثیر را بر چرخه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری دفاعی داشته باشد؟

مبانی نظری

مفهوم‌شناسی و سیر تطور اندیشکده‌ها: اندیشکده‌ها به عنوان نهادهایی تأثیرگذار در حوزه سیاست‌گذاری، ریشه در سنت دیرینه تفکر استراتژیک دارند اما سیر تکاملی اندیشکده‌ها در قالب مدرن، عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه با تأسیس مؤسسه‌سازمانی مانند شرکت RAND در آمریکا، سرعت گرفت (گوپتا، ۲۰۱۹). ظهور اندیشکده‌هایی مستقل، غیرانتفاعی و مبتنی بر کار تیمی چندرشته‌ای، آغازگر رویکردی علمی و نظام‌مند به پشتیبانی و شکل‌دهی سیاست‌گذاری‌های عمومی گردید. این نهادها عمدتاً به‌صورت سازمان‌های مستقل، غیرانتفاعی و مبتنی بر تخصص و ایده‌ها تعریف می‌شوند که هدف آن‌ها تأثیرگذاری بر فرایند سیاست‌گذاری عمومی است (هولوت و ولستدال، ۲۰۲۲). مدوتز (۲۰۱۲) در تحلیل جامعه‌شناختی خود، اندیشکده را نهاد یا سازمانی با ماهیت میان‌مرزی (hybrid) معرفی می‌کند که در مرز میان دانشگاه، دولت و بازار فعالیت می‌کند؛ به تعبیر

او «اندیشکده‌ها نه صرفاً موسسات پژوهشی آکادمیک‌اند و نه کارگزار صرف دولت یا بازار؛ بلکه نهادهایی واسطه‌ای هستند که همزمان بخشی از هویت خود را از هر سه حوزه می‌گیرند.» این وضعیت میان‌مرزی باعث می‌شود اندیشکده‌ها بتوانند نقش تسهیل‌گر و پیونددهنده میان حوزه‌های علم، سیاست و اقتصاد را ایفا کنند. با گذشت زمان، به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰، مفهوم اندیشکده در اروپا و آسیا نیز گسترش یافته و کشورهایی مانند چین و ژاپن شاهد رشد چشمگیر این نهادها بوده‌اند. در دهه‌های اخیر، گونه‌های متنوع‌تری از نهادهای سیاست‌گذاری دانش‌بنیان مانند policy labs، advocacy groups، و living labs ایجاد شده‌اند که تفاوت‌هایی در میزان پایداری، استقلال، ارتباط با قدرت و روش‌شناسی با اندیشکده‌های کلاسیک دارند. این گروه‌ها تحت عنوان جامع‌تری با عنوان سازمان‌های تأثیرگذار بر سیاست مبتنی بر دانش (KBPIOs) شناخته می‌شوند و براساس مولفه‌هایی چون نوع وابستگی سازمانی، موضوع فعالیت، بودجه، سطح استقلال، ظرفیت پژوهشی و نوع کارکرد طبقه‌بندی می‌گردند (هولوت و ولستد، ۲۰۲۲). درخصوص سیر تکامل نقش اندیشکده‌ها، باید به ارتباطات گسترده آن‌ها با ساختارهای قدرت و بخش خصوصی و همچنین ظهور شبکه‌های گسترده‌تر نسبت به الگوهای قدیمی اشاره کرد. آنچنانکه در سال‌های اخیر، تحلیلگران از مفاهیمی مانند MICIMATT یاد می‌کنند که در آن، اندیشکده‌ها صرفاً بخشی از یک شبکه پیچیده‌تر متشکل از بخش‌های صنعتی، نظامی، مجلسی، رسانه‌ای و دانشگاهی هستند و تأثیر جمعی این شبکه بر سیاست‌گذاری محسوس است (یووان، ۲۰۲۴).

جایگاه و نقش اندیشکده‌ها در نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری: اندیشکده‌ها به عنوان نهادهایی چندوجهی در عرصه سیاست‌گذاری، نقش حیاتی در تولید، تبیین و انتقال دانش ایفا می‌کنند. یکی از کارکردهای اساسی این نهادها، تولید دانش بنیادین و کاربردی و ارائه تحلیل‌ها و بسته‌های سیاستی قابل استفاده برای نهادهای حکومتی و عمومی است. از دیگر کارکردهای کلیدی اندیشکده‌ها، ایجاد پیوند عملی میان دانش علمی و راهبردهای اجرایی است؛ بدین معنا که با خط‌دهی میان نظریه و اجرا، خروجی‌های علمی و دانشی را به زبان مورد نیاز نظام حکمرانی ترجمه می‌کنند و تجارب اجرایی را به فضای پژوهشی باز می‌گردانند. (پن^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). مدوئر (۲۰۱۲) تأکید می‌کند که اندیشکده‌ها بخش اصلی از یک اکوسیستم پیچیده قدرت، دانش و نفوذ

1 Pan

هستند که با سایر نهادهای دانشگاهی، دولتی، رسانه‌ای و اقتصادی در ارتباط شبکه‌ای قرار می‌گیرند. به گفته او «اندیشکده‌ها با حضور در شبکه‌ای از روابط میان سازمانی، تبدیل به بازیگرانی کلیدی برای انتقال ایده‌ها، مشروعیت‌بخشی به سیاست و هدایت گفتمان عمومی می‌شوند. این وضعیت شبکه‌ای موجب می‌شود نقش اندیشکده‌ها صرفاً محدود به تولید دانش نظری نباشد، بلکه در شکل‌دهی به سیاست‌های راهبردی و تصمیم‌گیری‌های کلان تأثیرگذار باشند. بنابر یافته‌های مدونتر، اعتبار یک اندیشکده در گرو دو مؤلفه بنیادین است: (۱) مشروعیت علمی ناشی از کیفیت تولیدات پژوهشی (۲) توانایی اثرگذاری واقعی بر فرآیندهای سیاست‌گذاری. طبق نظر او اندیشکده‌ها زمانی معتبر تلقی می‌شوند که بتوانند همزمان مرجعیت علمی نزد جامعه دانشگاهی و قدرت تأثیرگذاری بر روندهای سیاست عمومی را داشته باشند. این مرجعیت علمی و سیاستی با مشارکت نخبگان، انتشار آزاد نتایج و دستیابی به قدرت گفتمان‌سازی تقویت می‌شود.

تحولات ساختاری اندیشکده‌ها نیز در تجربه کشورهای پیشرو مانند چین و ژاپن قابل مشاهده است که طی دهه‌های اخیر با حمایت دولتی، ابزارهای نوین تحلیل داده و شبیه‌سازی و شکل‌دهی شبکه‌های پژوهشی راهبردی، موقعیت اندیشکده را در نظام حکمرانی تثبیت کرده‌اند (هولوت و ولستد، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، مطالعه ساختارهای نوین حاکم بر سیاستگذاری در کشورهای توسعه‌یافته حاکی از آن است که اندیشکده‌ها اغلب بخشی از شبکه‌های بزرگ‌تری مانند MICIMATT هستند (یووان، ۲۰۲۴). در ایران نیز تجربه الگوی اندیشکده‌ها نشان می‌دهد ارتقای کیفیت و اثربخشی اندیشکده‌ها و پیوند قوی با تصمیم‌گیران راهبردی، نه تنها برای پویایی سیاستگذاری بلکه برای مقابله با چالش‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آینده کشور، ضرورتی حیاتی است (اشرفی و اشرفی، ۱۴۰۳).

رویکردهای نظری غالب به اندیشکده‌ها: زیست‌بوم سیاستگذاری معاصر به سرعت متحول شده و گروه‌های متنوعی از سازمان‌های دانشی نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند تولید، انتقال و بهره‌برداری از دانش ایفا می‌کنند. هولت و ولستد (۲۰۲۱) تأکید می‌کنند که واژه اندیشکده (Think Tank) دیگر توان پوشش کامل همه انواع نهادهای تأثیرگذار بر سیاست را ندارد و نیاز به بازتعریف بر اساس یک چارچوب مفهومی متکثر احساس می‌شود. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند سازمان‌هایی که به تولید، انتقال و بسیج دانش در خدمت سیاستگذاری می‌پردازند، باید با اصطلاح جدید KBPIOs

تعریف شوند. در این چارچوب نوین، تمایز KBPIOها بر پایه سه محور اصلی بنا شده است: الف- سطح نهادینه‌سازی: از نهادهای موقت مانند آزمایشگاه‌های سیاست تا اندیشکده‌های ساختارمند و نهادینه‌شده در فضای دولتی یا خصوصی ب- گونه فعالیت‌ها (نوع تولید، انتشار و بسیج دانش): اعم از پژوهش پایه‌ای، تجزیه و تحلیل راهبردی، آزمایش عملی سیاست، و برآورد پویای مشکلات جامعه پ- مرزهای ماموریتی/کارکردی: از تولید صرف دانش تا تسهیل تعاملات بین سیاستگذاران و جامعه علمی. مدوتر (۲۰۱۲) گونه‌های متنوع اندیشکده‌ها را از نظر هدف و ساختار سازمانی به چهار دسته عمده طبقه‌بندی می‌کند: الف- اندیشکده‌های مستقل پژوهشی ب- اندیشکده‌های وابسته به دانشگاه پ- اندیشکده‌های وابسته به دولت ت- اندیشکده‌های ایدئولوژیک و تبلیغاتی. هر یک از این الگوها دارای سطح متفاوتی از استقلال، ماموریت و شیوه تعامل با دولت یا جامعه هستند. این گونه‌شناسی به ما امکان می‌دهد نقش آفرینان حوزه سیاست‌گذاری را متناسب با بافت اجتماعی و سیاسی، دقیق‌تر تحلیل کنیم.

الگوهای نوین اندیشکده‌ای: در دهه اخیر تحولات عمیق در عرصه سیاست‌گذاری و پژوهش‌های دانشی سبب شده است که اندیشکده‌ها به منظور کاهش فاصله میان تولید دانش و تأثیر عملی بر سیاست، به بهره‌گیری از مدل‌ها و الگوهای نوین و ترکیبی روی آورند. یکی از این مدل‌های پیشرو، متدولوژی دابل هلیکس^۱ است که به طور ویژه در پژوهش‌های راهبردی چین و برخی دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های مطرح جهانی مورد استقبال قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های پن و همکاران (۲۰۲۲)، این متدولوژی ده محور کلیدی (۱- تحلیل ساختاری و تجزیه مسأله، ۲- سناریوپردازی و پیش‌بینی آینده، ۳- تحلیل عدم قطعیت، ۴- شبیه‌سازی سیاستی و رویکرد میان‌رشته‌ای، ۵- چرخه تکرارشونده و بازنگری پژوهش، ۶- هم‌افزایی دو مارپیچ داده-دانایی و سازوکار-پیامد-سیاست، ۷- سازمان‌دهی و مدیریت خبرگان، ۸- ترکیب انسان و ماشین، ۹- ترکیب بین تحلیل عینی و قضاوت ذهنی، ۱۰- مدیریت کیفیت محصولات اندیشکده) را در فرآیند پژوهش و اثرگذاری سیاستی اندیشکده‌ها مطرح می‌کند. این ده محور، یک ابزار اجرایی و نظری فراهم می‌آورد که سیستم پژوهشی اندیشکده را از طریق پیوند جریان‌ات دانشی و سازوکاری (دو مارپیچ) تقویت می‌کند. تأکید ویژه این مدل بر چرخه پیوسته «تولید-انتشار-بسیج دانش» و در

1 Double Helix Methodology

عین حال «ارزیابی-بازخورد-اصلاح مسیر» سبب افزایش پویایی، نوآوری و اثربخشی علمی و سیاستی می‌شود. یکی دیگر از رویکردها به اندیشکده‌ها نگاه مدوتر (۲۰۱۲) است. طبق نظر مدوتر، اندیشکده‌ها را می‌توان از سه منظر مورد توجه قرار داد: ۱) به عنوان مراکز مستقل پژوهشی شبیه دانشگاه‌ها ۲) به عنوان ابزارهای اجرایی و تبلیغاتی در خدمت سیاستمداران یا گروه‌های ذی‌نفوذ ۳) نهادهای میان‌مرزی که در مرز میان علم، سیاست و رسانه فعالیت کرده و نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند. مدوتر تأکید می‌کند که این سه دیدگاه، هر یک جنبه‌ای از واقعیت اندیشکده‌ها را بازتاب می‌دهد، اما هیچ کدام به تنهایی کفایت نمی‌کند.

چالش‌های پژوهشی آینده در مبانی نظری اندیشکده‌ها: در این بخش، با مرور روندهای جهانی و بررسی اسناد راهبردی، چالش‌ها و ضرورت‌های اصلی پژوهش‌های آینده در زمینه طراحی و تحقق اندیشکده‌های موفق و بومی در ایران، تحلیل می‌شود.

الف- روندهای جهانی: مطالعات نشان می‌دهد که اندیشکده‌ها از نقش سنتی تولید صرف گزارش‌ها فراتر رفته‌اند و اکنون به عنوان بسترهایی برای حل مسائل جمعی، آینده‌نگری و تسهیل تغییرات عمیق سازمانی مطرح می‌شوند (الیس و پالمر، ۲۰۰۹). مطالعات جدید جهانی بر دگرگونی در رویکردهای اندیشکده‌ای، تبدیل آن‌ها از تولید صرف گزارش به حل مسئله جمعی و سنجش‌پذیر، تعامل فعال با ذی‌نفعان، و استفاده از فناوری‌هایی مانند داده‌های کلان و هوش مصنوعی تأکید می‌کنند (لیو، ۲۰۲۲). موفقیت واقعی اندیشکده‌ها در گرو ایجاد تعادل میان استقلال پژوهشی، شفافیت مالی و مراقبت نسبت به نفوذ منافع بیرونی است. این نهادها اگرچه باید به دولت و مراکز تأمین مالی پاسخگو باشند، اما نباید استقلال و اعتبار علمی خود را قربانی سیاست‌های بیرونی کنند. شفافیت در منابع مالی، ذکر وابستگی‌ها و ارائه گزارش دوره‌ای از جمله الزامات استمرار اعتبار اجتماعی اندیشکده‌هاست (مدوتر، ۲۰۱۲).

ب- پیامدها و چالش‌های بومی‌سازی: مطالعات تطبیقی با بررسی اندیشکده‌های مشابه در کشورهای در حال توسعه، مانند هند، نشان می‌دهد که وابستگی مالی و نهادی اندیشکده‌ها به دولت و نهادهای بزرگ یکی از مهم‌ترین موانع اثربخشی و استقلال فرایندهای فکری است. این وابستگی منابع، موجب محدود شدن دامنه فعالیت‌های پژوهشی اندیشکده‌ها و ناتوانی در تعیین

مستقل دستورکار پژوهشی می‌شود. همچنین، نزدیکی بیش از حد اندیشکده‌ها به ساختارهای قدرت سبب می‌شود که خلاقیت‌های پژوهشی و نقد سازنده جای خود را به تکرار و تبعیت از سیاست‌های موجود بدهد و فرهنگ نوآوری مورد تهدید قرار گیرد (گوپتا، ۲۰۱۹).

پ- الزامات آینده: خروج از پژوهش‌های جزیره‌ای و حرکت به سمت شبکه‌های همکاری میان‌رشته‌ای و بین‌سازمانی، افزایش ارتباطات با بخش خصوصی، جامعه مدنی و سایر بازیگران غیردولتی، و بهره‌برداری هوشمندانه از روش‌ها و ابزارهای تحلیلی به روز (مانند داده‌کاوی و تحلیل پیچیده) از جمله الزامات پایه‌ای محسوب می‌شوند. ترکیب دانش‌های سیاستی، تحلیل داده و فناوری (مانند تعامل انسان-ماشین و هوش مصنوعی) جهش دانشی و حل مشکلات پیچیده ملی را سرعت می‌بخشد. آموزش مداوم و مدل‌های ترکیبی، کلید بومی‌سازی فناوری‌های نوین برای پاسخ به نیازهای راهبردی کشور است. (جانگ و هینز، ۲۰۲۱).

پیشینه پژوهش

در سال ۲۰۱۳ پژوهشی با عنوان «نقش اندیشکده‌ها در تعریف و اجرای سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی» توسط اوروتیا انجام شد. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل نقش اندیشکده‌ها به عنوان سازمان‌هایی بود که در تولید ایده‌ها و راه‌حل‌ها برای پیاده‌سازی سیاست‌های عمومی، به‌ویژه در حوزه دفاع و روابط بین‌الملل، فعالیت می‌کنند. این مقاله با تکیه بر ساختار، ماهیت، شرایط تاریخی، فعالیت‌ها و اهداف اندیشکده‌ها، به بررسی تأثیر آن‌ها در مدیریت سیاست‌های دفاعی و توسعه راهبردهای نظامی در محیطی پیچیده و جهانی شده پرداخت. پژوهش با مقایسه وضعیت اندیشکده‌ها در ایالات متحده آمریکا، فرانسه و اسپانیا، نقش حیاتی آن‌ها در شکل‌دهی به سیاست‌های دفاعی، ایجاد فضای گفتگو میان دولت و جامعه مدنی، و نقش آن‌ها به عنوان واسطه‌ها و منابع تخصصی بخش عمومی و خصوصی را تبیین می‌کند. این مطالعه تأکید می‌کند که اندیشکده‌ها امروزه یکی از عوامل مهم در جهت‌دهی به راهبردهای دفاعی کشورها، به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات جدید و محیط حکمرانی جهانی شده هستند. همچنین هالپین و فرانسن (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «اندیشکده‌ها و سیاست‌گذاری راهبردی: نقش اندیشکده‌ها در سیستم‌های مشاوره سیاستی» به

ظرفیت اندیشکده‌ها برای مشارکت در سیاست‌گذاری راهبردی می‌پردازند. آنان با تکیه بر شواهد مصاحبه‌های ساختاریافته با اندیشکده‌های برجسته استرالیا، تأکید می‌کنند که برای ایفای نقش مؤثر در سیاست‌گذاری راهبردی، سه ویژگی اساسی یعنی ظرفیت پژوهشی بالا، استقلال سازمانی قابل توجه و افق زمانی بلندمدت ضروری است. نتایج آنها نشان می‌دهد که هرچند اندیشکده‌ها پتانسیل تأثیرگذاری دارند، اما نقش دقیق آنها در فرآیند سیاست‌گذاری همچنان محل ابهام و بحث است. این تحقیق بر ضرورت تمایز میان نقش ایده‌پردازانه و عملیاتی اندیشکده‌ها تأکید دارد. در پژوهشی دیگر ژو (۲۰۲۳) در پژوهش خود تحت عنوان «اندیشکده‌هایی با ویژگی‌های چینی» تحولات ده سال گذشته اندیشکده‌های نوین چین را مورد بررسی قرار می‌دهد. او با مرور پنج کتاب از پژوهشگران شاخص این حوزه، نتیجه می‌گیرد که اگرچه چین در زمینه کمیت، کیفیت و نهادسازی اندیشکده‌ها پیشرفت‌هایی داشته است، اما هنوز برای ایجاد بازار ایده رقابتی و فرهنگ باز اندیشکده‌ای با چالش‌هایی جدی مواجه است. نویسنده تأکید می‌کند که اندیشکده‌های چینی نقش مهمی در ارتقای فرایند تصمیم‌گیری علمی و دموکراتیک داشته‌اند، اما برای رسیدن به جایگاه اندیشکده‌های قدرتمند جهانی راه درازی در پیش دارند. همچنین پاتز (۲۰۱۱) در پژوهشی تحت عنوان «بازنگری پدیده اندیشکده‌ها» بر لزوم بازتعریف اندیشکده از منظر کارکردی، نه صرفاً فرم سازمانی، تأکید دارد. او کارکرد اندیشکده‌ها را در قالب عوامل تغییر خارجی دولت‌ها تبیین می‌کند. این مطالعه نقش اندیشکده‌ها را در ایجاد ائتلاف‌های گفتمانی و تأثیرگذاری بر تغییر سیاست از طریق تحلیل و ترویج تخصص در سیاست‌گذاری برجسته می‌سازد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با هدف توسعه یک الگوی بومی برای ارتقاء نظام اندیشکده‌های سازمان‌های نظامی انجام شده است. این مطالعه بر مبنای تلفیق روش‌های تطبیقی، تحلیل محتوا و بهره‌گیری از تکنیک‌های داده‌آمایی کیفی، سعی داشته است با اتکا بر شواهد میدانی و اسناد معتبر، چارچوبی علمی و کاربردی برای ساختار و عملکرد اندیشکده‌های مرتبط با سازمان‌های نظامی ارائه دهد. این پژوهش، ماهیتی کیفی و توصیفی-تحلیلی دارد. از حیث راهبرد، مطالعه تطبیقی اندیشکده‌های داخلی و خارجی و تحلیل تطابق‌های ساختاری با یکی از سازمان

های نظامی را مبنای کار قرار داده است. روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از تجارب نظری و میدانی است و فرایند استنتاج با تکنیک تحلیل مضمون و کدگذاری محتوایی انجام شده است. جامعه هدف تحقیق، شامل اندیشکده‌های شاخص داخلی و خارجی، مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران فعال در این حوزه می‌باشد. نمونه‌گیری به شکل هدفمند و با محوریت شاخص‌ترین نمونه‌های واجد بیشترین شباهت ساختاری و مأموریتی به اندیشکده‌های سازمان‌های نظامی انجام شده است. در این راستا، مدیران ارشد ۱۲ اندیشکده و همچنین صاحب‌نظران اندیشکده‌های فعال در فرایند جمع‌آوری داده‌ها مشارکت داشته‌اند. داده‌های پژوهش از طریق تلفیق سه رویکرد اصلی (مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، تحلیل تطبیقی الگوهای جهانی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل تجربی) جمع‌آوری گردید. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) و تحلیل مقایسه‌ای (Comparative Analysis) پردازش شده است. برای اطمینان از روایی و پایایی تحلیل‌ها، استدلال‌ها و یافته‌ها با دو رویکرد اعتبارسنجی همگرا (Triangulation) و استناد به شواهد متقن اسنادی، دیدگاه‌های خبرگان و بررسی منابع درونی اندیشکده‌ها تقویت شده است. مدل پیشنهادی تلفیقی از یافته‌های تحلیل تطبیقی، تجربیات میدانی و استنتاج از مستندات نظری می‌باشد.

سؤالات پژوهش

- ۱- با بهره‌گیری از تجارب و الگوهای برتر اندیشکده‌های موفق داخلی و بین‌المللی، الگوی مطلوب ساختاری و کارکردی اندیشکده‌های وابسته به سازمان‌های نظامی چه ویژگی‌ها و مختصات دارد؟
- ۲- بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل تطبیقی و مصاحبه با خبرگان، کدام مؤلفه‌ها و عوامل کلیدی بیشترین نقش را در ارتقاء کیفیت خروجی‌ها و افزایش اثربخشی اندیشکده‌های نظامی ایفا می‌کنند؟

یافته‌های پژوهش

الف- یافته‌های حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران و تحلیل مضمون: یافته‌های این پژوهش، مبتنی بر تحلیل مضمون مصاحبه‌های عمیق، به چند محور بنیادین تقسیم شده‌اند که ارتباط مستقیم با اجزای مدل نهایی پیشنهادی دارند. این یافته‌ها به شرح زیر است:

الف- اهمیت مسئله‌یابی راهبردی و جایگاه مستقل اندیشکده: مصاحبه‌شونده‌ها تأکید داشتند که مزیت راهبردی اصلی اندیشکده‌های موفق، شناسایی نظام‌مند تهدیدها، فرصت‌ها و روندهای تحول‌آفرین با رویکرد تحلیلی و آینده‌پژوهانه است. همچنین، ضروری دانستند که استقلال تحلیلی اندیشکده حتی در صورت پیوستگی سازمانی با ساختار رسمی حفظ شود.

ب- ضرورت پویایی در چرخه دانش و یادگیری جمعی: علاوه بر اصالت تولید دانش، ایجاد مکانیزم بازخورد مؤثر و اصلاح فرآیندها مبتنی بر ارزیابی‌های مستمر، برای حفظ ارتباط منطقی با مسائل واقعی و بهبود مداوم خروجی‌ها الزامی دانسته شد.

پ- تربیت و جذب نیروی انسانی مستعد، متعهد و دارای تفکر انتقادی: به عنوان یکی از شروط موفقیت الگو، صاحب‌نظران بر فرآیند شناسایی، تربیت و توانمندسازی نخبگان و تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی تأکید کردند. اهمیت کار تیمی و گفت‌وگوی جمعی نیز مورد تأیید واقع شد.

ت- کاربردپذیری و پیوند خروجی‌ها با فرایند تصمیم‌سازی: در تحلیل مصاحبه‌ها تصریح شد که خروجی‌های اندیشکده باید مستندسازی شده، قابل انتقال و قابل استفاده برای لایه‌های مختلف نظام تصمیم‌سازی کشور باشند. تعامل مؤثر با ارکان مدیریتی و اجرایی برای پشتیبانی از اجرا و ارزیابی آثار سیاست‌ها نیز یک ضرورت دانسته شد.

ث- پاسخگویی، شفافیت و مدیریت تعارض منافع: قسمتی از مضامین مصاحبه‌ها بر لزوم شفافیت در فرآیندهای پژوهشی و اعلام شفاف منابع مالی و حامیان اندیشکده، جهت محافظت از استقلال تحلیلی و جلوگیری از نفوذ منافع خاص اشاره داشتند. جدول ۱، نمایش مسیر شکل‌گیری برخی از مضامین اصلی و کدگذاری یافته‌ها می‌باشد.

جدول ۱. کدهای استخراجی، مضامین فرعی و مضامین کلی پژوهش

ردیف	کدهای استخراجی از مصاحبه‌های نخبگان نظامی	کدهای استخراجی از ادبیات نظری	نقاط افتراق	نقاط اشتراک	مضمون کلی
۱	شناسایی تهدیدات عملیاتی مأموریت‌ها؛ رصد محیط‌های رزمی؛	شناسایی نظام‌مند تهدیدات جهانی؛ آینده‌پژوهی؛ تحلیل مستقل؛	نظریه بر داده‌های جهانی تمرکز دارد، میدانی بر	تأکید بر شناسایی تهدیدات و استقلال	مسئله‌یابی راهبردی و استقلال تحلیلی

ردیف	کدهای استخراجی از مصاحبه‌های نخبگان نظامی	کدهای استخراجی از ادبیات نظری	نقاط افتراق	نقاط اشتراک	مضمون کلی
	تحلیل مبتنی بر تجربه مأموریتی	پایش روندهای ژئوپلیتیک	داده‌های مأموریتی و امنیتی خاص	تحلیل	
۲	فاصله‌گیری از فشارهای فرماندهی خاص؛ حفظ بی‌طرفی در تحلیل رزمی	سیاست‌گذاری مستقل؛ جلوگیری از نفوذ منافع گروهی	نظریه بر فساد ساختاری، میدانی بر فشارهای عملیاتی	اهمیت استقلال تصمیمات	فاصله از منافع بیرونی
۳	بازخورد رزمایش‌ها؛ اصلاح تاکتیک‌ها؛ گزارش‌های میدانی سریع	چرخه بازخورد علمی؛ اصلاح مبتنی بر شواهد؛ ارزیابی بلندمدت	نظریه به داده‌های آماری تکیه دارد، میدانی به نتایج عملیاتی فوری	لزوم اصلاح مستمر	بازخوردگیری و یادگیری جمعی
۴	بهینه‌سازی رویه‌های رزمی براساس گزارش‌های میدان نبرد	بازطراحی مدل‌ها بر اساس تحلیل جدید	تفاوت در نوع داده و سرعت تغییر	هر دو بر بهبود کیفیت راهکار تأکید دارند	اصلاح راهکارها
۵	تجربیات رزمی؛ شاخص‌های آمادگی عملیاتی	پایگاه‌های داده ملی؛ آزمون‌های سنجش سیاست	داده‌های عمومی، میدانی بر داده‌های محرمانه و امنیتی	استفاده از داده برای تصمیم‌گیری	ارزیابی مبتنی بر داده و تجربه
۶	جذب نیروهای عملیاتی با تجربه میدان؛ ترکیب تخصص نظامی و علمی	جذب متخصصان علمی؛ همکاری با دانشگاه‌ها	نظریه بر منابع علمی، میدانی بر منابع عملیاتی	اهمیت سرمایه انسانی	جذب مستمر نخبگان
۷	آموزش تحلیل	دوره‌های	نظریه بر	ارتقای مهارت	آموزش

ردیف	کدهای استخراجی از مصاحبه‌های نخبگان نظامی	کدهای استخراجی از ادبیات نظری	نقاط افتراق	نقاط اشتراک	مضمون کلی
	رزمی؛ سناریونویسی جنگ؛ تحلیل تهدیدات ترکیبی	دانشگاهی؛ آزمون‌های شناختی (واتسون- گلیر)	مهارت‌های عمومی، میدانی بر مهارت‌های نظامی خاص	تحلیل	مهارت‌های تحلیلی
۸	جلسات مشترک یگان‌ها؛ ارتباط میان ستاد و متخصصان	جلسات بین‌رشته‌ای؛ شبکه‌سازی علمی	تفاوت در فضای تعامل (علمی و نظامی)	توجه به تعامل	توسعه فرهنگ گفت‌وگو
۹	تدوین گزارش محرمانه به ستاد فرماندهی؛ ثبت در سامانه‌های داخلی	انتشار مقالات و گزارش‌ها	تفاوت سطح انتشار (عمومی و محرمانه)	ثبت نتایج و درس‌آموخته‌ها	مستندسازی خروجی‌ها
۱۰	انتقال توصیه‌ها به شورای عالی دفاع؛ هماهنگی با فرماندهان عملیاتی	ارائه توصیه‌ها به تصمیم‌سازان ملی	تفاوت مخاطب (مدنی و نظامی)	اهمیت ارتباط با بالادستی	ارتباط با سیاست‌گذاران
۱۱	شاخص‌های آمادگی رزمی؛ کاهش ریسک عملیاتی	شاخص‌های سیاست‌گذاری؛ اثرات اجتماعی	تفاوت در معیارها	ارزیابی نتایج	سنجش اثربخشی توصیه‌ها
۱۲	گزارش داخلی منابع مالی پروژه‌های دفاعی	گزارش سالانه مالی	تفاوت سطح و نوع اطلاعات	شفافیت مالی	اعلام منابع مالی
۱۳	مدیریت روابط بین یگان‌ها؛ جلوگیری از نفوذ گروه‌های ذینفع نظامی	مقررات ضد فساد	تفاوت در محیط اجرا	مدیریت تعارض	مدیریت تضاد منافع
۱۴	گزارش محرمانه،	نشریات، رسانه‌ها	تفاوت در قالب	ثبت	گزارش‌دهی و

ردیف	کدهای استخراجی از مصاحبه‌های نخبگان نظامی	کدهای استخراجی از ادبیات نظری	نقاط افتراق	نقاط اشتراک	مضمون کلی
	نمایه امنیتی		انتشار	دستاورها	مستندسازی عمومی
۱۵	پهپادها؛ GIS نظامی؛ سیستم‌های نظارت هوشمند	مدل‌سازی سناریو؛ هوش مصنوعی؛ سیستم‌های داده	تفاوت نوع ابزار	استفاده از فناوری	زیرساخت فناوری در تحلیل
۱۶	یگان‌ها، صنایع دفاعی، قرارگاه‌ها	دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، NGOها	تفاوت بازیگران	ارتباط گسترده	تعامل شبکه‌ای و چندبعدی
۱۷	سیستم‌های امنیتی ذخیره داده؛ بایگانی عملیاتی	بانک دانش سازمانی؛ پلتفرم‌های اشتراک اطلاعات	تفاوت در سطح دسترسی	اشتراک دانش	مدیریت دانش
۱۸	سناریوهای جنگ نامتقارن؛ تهدیدات چندلایه	طراحی سناریوهای ملی؛ مدل‌سازی تهدیدات نوظهور	تفاوت در نوع تهدید	نگاه به آینده	آینده‌نگری سناریویی
۱۹	ساختارهای فرماندهی واکنش سریع	تئوری‌های سازمان مقاوم	تفاوت رویکرد (مدنی و نظامی)	حفظ ثبات عملکرد	تاب‌آوری سازمانی
۲۰	رعایت محرمانگی نظامی؛ وفاداری سازمانی	بی‌طرفی علمی؛ حفظ محرمانگی داده	تفاوت در اولویت‌ها	رعایت اصول اخلاقی	اخلاق حرفه‌ای

ب- نحوه استخراج مدل پیشنهادی اندیشکده سازمان‌های نظامی از مضامین اصلی و فرعی: مدل ارائه‌شده در این پژوهش حاصل فرآیندی نظام‌مند از تحلیل مضمون کیفی داده‌های گردآوری‌شده از ادبیات نظری و مصاحبه‌های عمیق با نخبگان و صاحب‌نظران نظامی است. این دو منبع به‌طور

مستقل کدگذاری شدند و سپس در قالب مضامین فرعی و مضامین کلی، تطبیق و تلفیق گردیدند. جدول توسعه یافته کدها، به وضوح نقاط اشتراک و افتراق داده‌های نظری و میدانی را نشان می‌دهد. ساختار مدل دقیقاً از ترکیب این مضامین کلی و ارتباط منطقی میان آن‌ها استخراج شده است.

۱. نقش مضامین کلی در شکل‌گیری عناصر مدل:

مسئله‌یابی راهبردی و استقلال تحلیلی: مضامین مرتبط با شناسایی نظام‌مند تهدیدات و فرصت‌ها، آینده‌پژوهی، فاصله از منافع بیرونی و استقلال تحلیل، هسته نخست مدل را شکل داده است. این بخش به عنوان لایه بیرونی مدل تحت عنوان «استقلال تحلیلی» نمایش داده شده تا تضمین‌کننده اعتبار چرخه داخلی باشد.

بازخوردگیری، پویایی و یادگیری جمعی: کدهایی مانند مکانیزم بازخورد مستمر، اصلاح راهکارها و ارزیابی مبتنی بر داده و تجربه به بخش «بازخوردگیری» منتقل شده‌اند. این بخش تضمین‌کننده یک چرخه پویا بین تولید دانش و بهبود مداوم مدل است.

تربیت و توانمندسازی نخبگان: مضامینی مانند جذب مستمر نخبگان، آموزش مهارت‌های تحلیلی و توسعه فرهنگ گفت‌وگو به عنصر «نظام تربیت و ارتقای نخبگان» تبدیل شده‌اند، زیرا در بستر نظامی کیفیت نیروی انسانی مستقیماً بر اثربخشی مدل اثرگذار است.

انتقال دانش به ساختار تصمیم‌سازی: کدهایی همچون مستندسازی خروجی‌ها، ارتباط مؤثر با سیاست‌گذاران و سنجش اثربخشی توصیه‌ها در بخش «ارائه راهکار و حمایت از تصمیم‌گیری» و «پشتیبانی از اجرا و ارتباط با سیاست‌گذاران» قرار گرفتند.

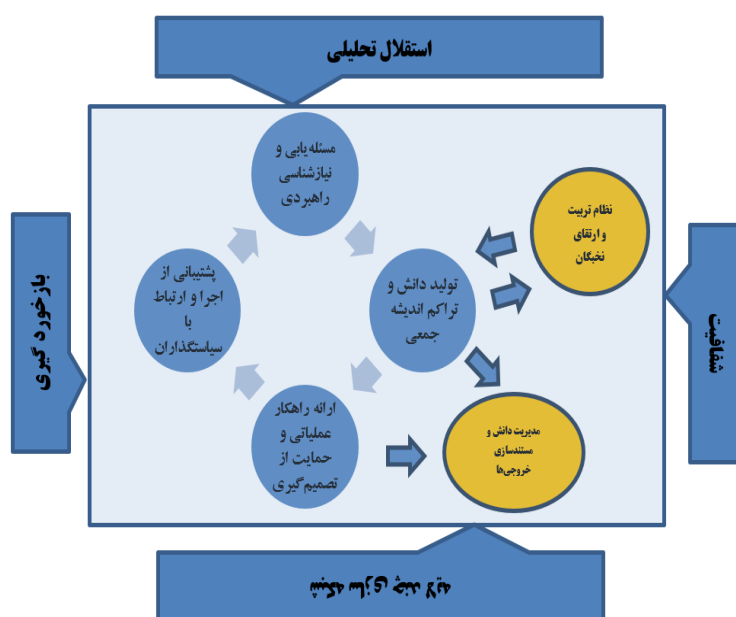
شفافیت و پاسخگویی: مضامین مرتبط با اعلام منابع مالی، مدیریت تضاد منافع و گزارش‌دهی عمومی به لایه بیرونی مدل اضافه شده‌اند تا نشان دهند که اعتماد و اعتبار سازمانی بدون شفافیت پایدار نیست.

مدیریت دانش و مستندسازی خروجی‌ها: این بخش که در جدول به عنوان یک مضمون اجرایی مطرح شد، در مدل به شکل یک عنصر مرکزی پیوسته میان تولید دانش و نظام تربیت نخبگان قرار گرفته است، زیرا پیوند این دو، اساس چرخه دانش را شکل می‌دهد.

۲. ارتباط چرخه داخلی مدل با مضامین فرعی:

چرخه داخلی مدل دارای پنج گام می‌باشد. گام اول، مسئله‌یابی و نیازشناسی راهبردی است که از مضامین کدهای ردیف اول و دوم جدول بالا استخراج شده است. گام دوم، تولید دانش و تراکم

اندیشه جمعی است که از مضامین مرتبط با یادگیری و تعامل نخبگان حاصل شده است. گام سوم، ارائه راهکار عملیاتی و حمایت از تصمیم‌گیری است که ترکیب مضامین مربوط به کاربردپذیری دانش در سیاست‌گذاری نظامی می‌باشد. گام چهارم، پشتیبانی از اجرا و ارتباط با سیاست‌گذاران است که از کدهای مرتبط با تعامل و سنجش اثرگذاری پیشنهادات حاصل شده و گام پنجم، بازخوردگیری و اصلاح مستمر می‌باشد که از مضامین ردیف‌های مربوط به پایش اثربخشی و بازطراحی راهکارها استخراج شده است. تمام این گام‌ها با دو لایه محیطی مدل یعنی «استقلال تحلیلی» و «شفافیت» حفاظت می‌شوند و با نظام تربیت نخبگان و مدیریت دانش تغذیه می‌شوند. به این ترتیب، مدل نهایی نه یک تصویر تزئینی، بلکه ترجمه مستقیم یافته‌های کیفی به یک ساختار اجرایی است؛ هر عنصر مدل جایگاهش را از مضامینی که در جدول توسعه یافته آمده، می‌گیرد و روابط میان آن‌ها بر اساس نقاط اشتراک و افتراق داده‌های نظری و میدانی تعریف شده است. شکل ۱ الگوی پیشنهادی اندیشکده‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۱. الگوی پیشنهادی برای اندیشکده سازمان‌های نظامی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر، مبتنی بر تحلیل تطبیقی تجارب موفق جهانی و داده‌های میدانی حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران و مدیران اندیشکده‌های کشور، عمیقاً دلالت بر ضرورت پوست‌اندازی اندیشکده‌های ایران، به ویژه اندیشکده‌های راهبردی سازمان‌های نظامی دارد. این مطالعه نشان داد که اندیشکده‌های موفق بین‌المللی، مانند نمونه‌های برجسته آمریکایی، اروپایی و آسیایی، همگی ترکیبی از ویژگی‌های مشترک را دارا هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی آنان داشته است: ساختار شبکه‌ای، سیال و بین‌رشته‌ای، چرخه تحلیل-راهکار-اجرا با ارتباط ارگانیک با سیستم حکمرانی، و استقرار فرآیندهای نظام‌مند برای شناسایی مسائل، طراحی راه‌حل‌های راهبردی و ارزیابی تأثیرات واقعی بر سیاست و جامعه. این اندیشکده‌ها، نه صرفاً به عنوان مراکز تولید دانش صرف؛ بلکه به منزله نهادهای کنشگر و پل ارتباطی بین نخبگان، حکمرانی و بدنه جامعه ایفای نقش می‌کنند. تحقیق حاضر تأکید می‌کند که موفقیت آینده اندیشکده‌های ایرانی، صرفاً در گرو ارتقای سطح علمی و پژوهشی نیست، بلکه مستلزم عبور از پژوهش‌های جزیره‌ای به سمت شبکه‌سازی جمعی واقعی و همکاری‌های میان‌رشته‌ای، استمرار آموزش، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین (از جمله هوش مصنوعی)، و در نهایت توسعه مدل‌های ترکیبی بومی است که بتواند هم‌افزایی واقعی داشته باشد. مطالعات و مصاحبه‌های انجام‌شده به روشنی نشان می‌دهد که مسئله‌یابی راهبردی دقیق و حفظ استقلال تحلیل برای اندیشکده‌ها، اصلی‌ترین مزیت رقابتی آنها است؛ اندیشکده‌ها باید به عنوان نهادهای مشورتی وابسته یا مقید به ساختار رسمی سازمان‌های نظامی تعریف شوند، اما استقلال فکری و تحلیلی خود را حفظ نمایند. همچنین، موفقیت الگوی بومی اندیشکده‌ای در گرو توسعه دقیق چرخه بازخورد و یادگیری سازمانی است؛ بدین معنا که خروجی‌های اندیشکده‌ها باید مکرراً با نیازهای بنیادین سازمان‌های نظامی و کشور و همچنین دستاوردهای قبلی سنجش و اصلاح گردد. جذب و پرورش مستمر نیروی انسانی متعهد و متخصص و رشد این نیروها در بستر فعالیت‌های تیمی، از الزامات انکارناپذیر تحقق یک مدل موفق دانسته شده است. در مدل پیشنهادی پژوهش نیز سازوکارهای شفاف و عملیاتی برای سازماندهی اندیشکده، تعیین موضوعات و اهداف، گردآوری داده‌ها، تعامل با خبرگان، انعطاف عملیاتی در تحقق پروژه‌ها، تضمین شمول منابع اطلاعاتی و

مشارکت چندرشته‌ای صراحتاً تعریف شده است. این مدل نه فقط یک الگوی ساختاری، بلکه چارچوبی کارآمد برای تضمین نقش‌آفرینی اندیشکده‌ها در نظام تصمیم‌سازی و سیاستگذاری کشور به شمار می‌رود. در نهایت، ارتقاء کیفیت و اثربخشی اندیشکده‌ها، به ویژه در بعد امنیت ملی و راهبردی، تنها از مسیر توسعه زیرساخت‌های دانشی، تعاملات بین‌رشته‌ای، استفاده هوشمندانه از فناوری، بازنگری مستمر و ارزیابی علمی عملکرد و تعهد به جریان مستمر یادگیری و تطبیق با الزامات متغیر محیطی محقق خواهد شد. این پژوهش با تکیه بر شواهد تطبیقی و تجربیات موفق و ناموفق داخلی و جهانی، توصیه می‌کند متولیان اندیشکده‌های راهبردی، رویکردهای نوین سازماندهی، آموزش، جذب نخبه، سنجش اثرگذاری و تعامل فعال و بازخورد‌پذیر با بدنه حاکمیتی و جامعه علمی را در دستور کار خود قرار دهند تا بتوانند نقش راهبردی خود را در طراحی آینده امنیت ملی کشور ایفا کنند.

پیشنهادهای الف-یکی از شاخصه‌های مشترک اندیشکده‌های موفق جهان، ساختار شبکه‌ای و قابلیت سازماندهی چابک و همکاری میان‌رشته‌ای است. از این رو پیشنهاد می‌شود اندیشکده‌های سازمان‌های نظامی ایران نیز فعالیت خود را بر تقویت بستر ساختار شبکه‌ای سیال و ایجاد تیم‌های میان‌رشته‌ای با عضویت فعال متخصصان حوزه‌های مختلف متمرکز کنند. ب- یافته‌های حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران بیانگر این است که حضور مکانیزم‌های بازخوردگیری و یادگیری جمعی، موجب می‌شود خروجی‌های پژوهشی اندیشکده‌ها به طور مداوم با نیازهای واقعی سنجیده شود. همان‌اساس پیشنهاد می‌شود سازوکارهای نظام‌مند ارزیابی اثربخشی و اخذ بازخورد از ذی‌نفعان و مسئولان، در همه مراحل فرایند پژوهش و سیاست‌گذاری اندیشکده‌ها استقرار یابد تا به پویایی و حل مسائل واقعی کمک گردد. پ- جذب و پرورش مستمر نیروی انسانی متعهد و متخصص شرط اصلی موفقیت و تداوم اندیشکده‌های راهبردی شناخته شده و الگوهای جهانی نیز بر آموزش مداوم و به‌کارگیری شایستگی‌های تفکر راهبردی تأکید دارند، از این رو پیشنهاد می‌شود فرایندی مستمر برای شناسایی، جذب و آموزش نیروهای نخبه با محوریت ارتقای مهارت‌های تحلیل راهبردی و تفکر میان‌رشته‌ای در اندیشکده‌ها طراحی و اجرا گردد. ت- یکی از محورهای راهبردی ده‌گانه مدل پیشنهادی پژوهش، تأکید بر سناریوسازی، تحلیل آینده‌نگر و به‌کارگیری فناوری‌های نوین داده‌محور (مانند هوش مصنوعی) می‌باشد لذا پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی اندیشکده‌ها بر توسعه پژوهش‌های

مبتنی بر سناریو، شبیه‌سازی سیاست‌گذاری و استفاده از ابزارهای تحلیلی رایانه‌ای و مدل‌سازی آینده‌محور با ترکیب رویکردهای میان‌رشته‌ای و فناوری تمرکز یابد.

فهرست منابع

- اشرفی، مجتبی؛ اشرفی، مرتضی. (۱۴۰۳). نقش راهبردی اندیشکده‌ها در ارتقای دیپلماسی عمومی و تقویت ظرفیت‌های جمعی-فرهنگی ایران در افق ۱۴۱۴. فصلنامه پژوهش‌های تاریخ، سیاست و رسانه، ۷(۱)، صص. ۴۸-۱۱.
- خان‌محمد، خ. و همکاران (۱۴۰۱). تبیین ویژگی‌های کلیدی اندیشکده‌ها در ایران: مطالعه موردی اندیشکده حکمرانی خوش سلامت. نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت، دوره ششم، شماره اول، صص ۸۸-۹۵.
- کریمی، ع. و سلطانی، ع. (۱۳۹۹). نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی (مطالعه موردی انگلستان). فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰(۴۱)، ۶۴-۳۹.
- Fraussen, B., & Halpin, D. (2017). Think tanks and strategic policy-making: the contribution of think tanks to policy advisory systems. *Policy Sciences*, 50(1), 105–124.
- Gupta, A. (2019). India's Strategic Think Tank: The Institute for Defense Studies and Analyses. In J. G. McGann (Ed.), *Think Tanks, Foreign Policy and the Emerging Powers* (p. 199).
- Heinz, B., & Jung, E. (2021). *The Military-Industrial-Think Tank Complex: Conflicts of Interest at the Center for a New American Security*
- Medvetz, T. (2012). *Think Tanks in America*. The University of Chicago Press.
- Palmer, J., & Ellis, N. (2009). Methodology for a think tank: the future of military and veterans' health (p. 14).
- Pan, J., Lu, X & ,Liu, H. (2022). "Ten Key Issues" of Think Tank Double Helix Methodology . *Bulletin of Chinese Academy of Sciences*. ۲۰-۲, (۲)۳۷ ,
- Pautz, H. (2011). Revisiting the think-tank phenomenon. *Public Policy and Administration*, 26(4), 419–435.
- Rich, A. (2004). *Think tanks, public policy, and the politics of expertise*. Cambridge University Press.
- Urrutia, O. (2013). The role of think tanks in the definition and application of defence policies and strategies. *Revista del Instituto Español de Estudios Estratégicos*, (2), 1–26. <https://revista.ieee.es/article/download/340/572/521>
- Wellstead, A. M., & Howlett, M. (2022). (Re)Thinking think tanks in the age of policy labs: The rise of knowledge-based policy influence organisations. *Australian Journal of Public*
- Youvan, D. C. (2024). Ray McGovern's MICIMATT: The Military-Industrial-Congressional-Intelligence-Media-Academia-Think-Tank (pp. 2-3).
- Zhou, W. (2023). Think tanks with Chinese characteristics. *International Sociology Reviews*, 38(2), 194-209.

